

معرفی يك كتاب قدیم خطی در علم هیئت

کتاب نه‌ایة‌الادراک فی‌درایة‌الافلاک از کتب نجومی بسیار قدیم میباشد مؤلف آن قطب‌الدین محمود بن مسعود ابن مصلح‌الشیرازی است این کتاب عربی است و عبارت از چهار مقاله است هر مقاله آن يك قسمت از اوضاع فلکی را شرح و تفسیر میکند در علم هیئت بهترین کتابیست که در قرن هفتم تألیف و کتابت شده است نسخ آن بسیار کم است فقط يك نسخه در کتابخانه مدرسه سپهسالار هست که از آخر آن چند صفحه افتاده است و يك نسخه در کتابخانه خدیویه مصر موجود است در سال ۷۴۱ کتابت شده نسخه حاضر که شرح آن نوشته میشود در تصرف نگارنده است در سال ۶۸۳ در حال حیات مؤلف کتابت شده تعداد صفحات آن ۴۷۵/ میباشد عرض و طول کتاب ۱۵ در ۲۵ میباشد در روی کاغذ خان‌بالیق بخط نسخ بسیار خوانا نوشته شده بعضی اشکال و تصویرهای فلکی دایر بحرکات کواکب و ستاره‌ها و قرب بعد آنها و خسوف و کسوف بخط قرمز بسیار عالی کشیده شده این کتاب بنام خواجه بهاء‌الدین^۱

۱- خواجه بهاء‌الدین پسر خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان که کتاب بنام وی موشح گردیده مرد فاضل ادب‌دوست و دانش‌پرور بود اهل علم و دانش را نوازش میکرد لیکن بسیار سفاک و غضبناک بود در حبیب‌السیر مسطور است که خواجه بهاء‌الدین محمد قوت‌غضبی و صفت سبعی بر مزاجش استیلا داشت و چون بفرمان ابا قاسم خان در بلده اصفهان رایت حکومت برافراشت ابواب عفو و اغماض را بیک بارگی بر بست پشت برمسند غلظت نهاده دل‌های اصفهانیان را به تحمیل بارگران بشکست در اظهار قدرت و اجراء سیاست قاعده سختی وضع نمود که ناسخ حکایات زیاد ابن ابیه و حجاج بن یوسف بود اگر سختی نه بر وفق مزاج شنیدی تا بجریمه صغیر کبیر چه رسد خانه آنها را بر باد داده مال مسلمانان را هباء منشور گردانیدی ارکان دولت و نواب دیوان*

محمد الجوینی پسر خواجه شمس الدین صاحب دیوان که وزیر ستهن از سلاطین مغول بود تألیف شده و موقعیکه خواجه بهاء الدین حکمران اصفهان بود بوی اهدا شده است اول کتاب چنین شروع میشود :

بسم الله الرحمن الرحيم

قول احوج خلق الله اليه محمود بن مسعود الشيرازي ختم الله له بالحسنى اما بعد حمداً لله فاطر السموات فوق الارضين عبرة للمناظرين المتوسطين وزينها بزواهر الثواب والمتحزين الهاماً له لدقائق صنعته فيها قلوب المستبصرين الصلوة على النبي الاولين و الاخرين محمد و اله الطيبين الطاهرين الخ بعد از چندین سطر ثانياً الى عاليجناب من هو خلاصة الدهر و نخبته و صفوة العصر و زبدته و هو المولى المعظم صاحب الاعظم آصف الزمان و لى الايدى و الاحسان صاحب الايران الممالك بعداً و قر بأمولى ملوك العالمين شرقاً و غرباً شمس الدنيا و الدين علاء الاسلام و المسلمين محمد بن صاحب السعيد بهاء الدين محمد الجوينى ضاعف الله فى سبوع النعم جلاله و مد على الخافقين ظلاله فالحققت هممه العلية و مواهب السنية لو احق كرمه التى تلاطمت امواجها بسوابق نعمه آخر كتاب چنین مسطور است (وفقنى الله تعالى لا تمام ما قصدته و انجاز ما وعدته فلنختم الكتاب حامداً لله على آلائه العظام و نعمائه مصلياً على زبدة الانام محمد و على آله البررة الكرام مصابيح الظلام و مفاتيح فرغ و الحمد لله فى ليلة الاربعاء الثانى عشر شهر الله المبارك رمضان لسنة ٦٨٣ بخط العبد الضعيف المذنب ابراهيم بن محمد الشيرازى)

* و اشراف و اعيان اصفهان اگر شب يك لحظه در بستر استراحت مى غنودند هنگام وزیدن نسيم سحر مانند برگ بيد از باد صرصر بر سر و جان خود ترسان و لرزان بودند که آيا امروز از چنبر قهر او بچه تدبير نجات توان يافت و باز شراره خشم آتش بارش بروز گار کدام خاکسار از اهالى اين ديار خواهد يافت بلاخره در اثر اين سفاكى و بيرحمى در عين جوانى در سن سى سالگى در سال ٦٨١/ رخت از جهان بربست و مردم اصفهان راحت و آسوده شدند .

ديدى که خون ناحق پروانه شمع را
چندان امان نداد که شب را سحر کند

شرح حال قطب‌الدین محمود دینی مسعود شیرازی

قطب‌الدین در ماه صفر ۶۳۴ در شیراز متولد شده از او ان کودکی نزد پدر خود ضیاء‌الدین بآموختن رشته طب مشغول بود در ده سالگی بردست پدرش خرقة تصوف پوشید آباء و اجدادش طیب و صوفی منش بودند پدرش ضیاء‌الدین طیب معروف و از مشایخ صوفیه بود قطب‌الدین پس از چندی بخدمت نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی رسید همین که چهارده ساله شد پدرش ضیاء‌الدین در گذشت او را بجای پدر در بیمارستان شیراز به پزشکی و کجالی گماشتند قطب‌الدین در آنجا گاهی به مداوای بیماران مشغول و گاهی بمطالعه کتب طبی می پرداخت دو سال بدین منوال گذشت همواره فکرش براین متوجه بود که از همکاران خود جلو تر بیفتد تا یکسره دل در هوای تحصیل گرفت کلیات قانون بوعلی سینا را پیش عموی خود کمال‌الدین تلمذ کرد در این اوقات بستن رصد مراغه آغاز شد جمعی از دانشمندان نامی آنجا گرد آمدند وصیت شهرت خواجه نصیر‌الدین طوسی که مؤسس اصلی اینکار بود در آفاق جهان پراکنده شد قطب‌الدین نیز که در علوم هیئت استاد بود عزم سفر کرد و راه مراغه را پیش گرفت تا اینکه خود را بمحضر استاد بزرگ خواجه نصیر‌الدین طوسی رسانید و علم هیئت را در خدمت استاد تکمیل کرد و اشکالات را مرتفع ساخت اشارات ابن سینا را پیش حکیم طوسی درس خواند و مشکلات قانون را بیاری افکار او حل کرد چندی در مراغه اقامت گزید بعلمی که نامعلوم است روابط باطنی وی باخواجه خوب نبود در حبیب‌السیر مسطور است که روزی قطب‌الدین باتفاق خواجه نصیر به مجلس هولاکو وارد شدند هولاکو بنا به سابقه کدیری که با خواجه داشت آغاز اعتراض و خشونت کرد و گفت اگر رصد ناتمام نمی ماند تو را میکشتم قطب‌الدین پیش رفته گفت من رصد را تمام میکنم چون از بارگاه هولاکو خارج شدند خواجه به قطب‌الدین گفت روا باشد در پیش چنین مغول نااعتمادی این سخن را میگوئی شاید او ندانستی

که تو مزاح می‌کنی قطب‌الدین گفت مزاح نمی‌کردم و جدّی می‌گفتم از آن تاریخ بعد ما بین خواجه نصیر و قطب‌الدین رنجیدگی و کدر حاصل شد چندی در مراغه متوقف بود بعد آغاز مسافرت کرد و از مراغه به اکثر ایالاتی که در تصرف دولت ایلخانی بود رفت نخست بشهرهای خراسان نیشابور و از آنجا بعراق عجم و اصفهان رسید و در این سفر کتاب نه‌ایة‌الادراک فی درایة‌الافلاک را تمام نموده به خواجه بهاء‌الدین حاکم اصفهان تقدیم نمود از اصفهان به بغداد و شامات سفر کرد و از آنجا به قونیه مسافرت نموده با جلال‌الدین محمد رومی ملاقات کرد و در سال ۶۸۱ از طرف سلطان احمد تکودار بسفارت مصر معین شد و به نزد ملک قلاوون^۱ الفی رفت دوباره بشام سفر کرد و در آنجا قانون و کتاب شفا را تدریس می‌کرد از آنجا به تبریز آمده منزوی گردید در تبریز بود تا اینکه در ۱۷ م صیام سال ۷۱۰ در تبریز وفات نموده در قبرستان چرنداب نزدیک مرقد خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان و محقق البیضاوی مدفون شد رحمة‌الله‌علیه بعضی از فضلا این قطعه را در تاریخ وفات آن مرحوم گفته‌اند .

روز یکشنبه قریب عصر سال ذال و یا

۷۱۰

یا و زا بگذشته در تبریز از ماه صیام

۱۷

روح پاک قطب‌دین محمود شیرازی برفت

سوی فردوس برین با صد هزاران احتشام

قطب‌الدین گاهی شعر نیز می‌گفت این رباعی در روضات الجنات از وی

مسطور است .

يك چند به یاقوت تر آلوده شدیم يك چند پی زمرد سوده شدیم

۱- قلاوون‌الملك‌المصور از حکمرانان مصر و شام به‌الفی مشهور معروفست وقتی او را به‌زار طلای مسكوك خریداری کرده‌اند بدین‌جهت به‌الفی معروف شده در سال ۶۸۴ در محاربه صلیب به‌فتوحات بزرگی نایل شده است .

آلودگی بود و لیکن تن را شستیم بآب توبه آسوده شدید

در بعضی تواریخ مسطور است که سعدی شیرازی خواهرزاده قطب‌الدین محمود است لیکن این قول ضعیف است قطب‌الدین تصنیفات و تألیفات زیاد دارد از آنجمله است (۱) همین کتاب مورد بحث ما (نهایة الادراک فی درایة الافلاک) که شرح آن اینک بنظر قارئین محترم میرسد (۲) التحفة الشاهیه کتابیست عربی در علم هیئت (۳) شرح حکمه الاشراق (۴) مفتاح المفتاح (۵) درة التاج لغرة الدباج این کتاب در سال ۱۳۱۷ شمسی بکوشش و تصحیح فاضل دانشمند آقای سیدمحمد مشکوة در چاپخانه مجلس شورای ملی چاپ شده و ما در اینمقاله از مقدمه دانشمند محترم آقای مشکوة استفاده کردیم (۶) از تألیفات قطب‌الدین التحفة السعدیه بنام سعدالدین محمدساجی نوشته شده (۷) شرح مختصر الاصول ابن حاجب (۸) فتح المنان فی تفسیر القرآن (۹) حاشیه بر کتاب الکشاف عن حقایق التزیل زمخشری (۱۰) رساله فی بیان الحاجة الی الطیب و اداب الاطباء و وصایاهم (۱۱) حاشیه بر حکمت العین.

پایان